

استعاره‌های هستی‌شناختی در شاهنامه فردوسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی

اشرف سراج^۱

کارشناس ارشد گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

بهروز محمودی بختیاری

دانشیار گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲)

چکیده

استعاره یکی از موضوعات مهم و اساسی در زبان‌شناسی شناختی است. در این رویکرد، استعاره فقط یکی از ابزارهای تخیل شاعرانه و ویژگی زبانی نیست، بلکه در زندگی روزمره و نیز در اندیشه و عمل ما جریان دارد. بر اساس دیدگاه لیکاف و جانسون (۲۰۰۳ م.)، استعاره اساساً روشی است که از طریق آن مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌ای دیگر بیان می‌شود. حوزه مقصد معمولاً انتزاعی‌تر و حوزه مبدأ عینی‌تر و ملموس‌تر است. آن‌ها استعاره‌های مفهومی را به سه دسته هستی‌شناختی، ساختاری و جهت‌تقسیم کرده‌اند. هدف این پژوهش، بررسی استعاره‌های هستی‌شناختی از نوع مادی در شاهنامه فردوسی است. استعاره‌های پدیده‌ای یا مادی از جمله استعاره‌هایی هستند که بر اساس تجربه انسان از اشیای مادی و فیزیکی شکل می‌گیرند. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. نگارندگان به دنبال این پرسش که استعاره‌های هستی‌شناختی از نوع مادی در شاهنامه چگونه به کار رفته‌است و چه مفاهیمی از طریق این استعاره ملموس شده‌اند، حدود ۳۸۰۰ بیت از شاهنامه فردوسی را بررسی کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فردوسی بسیاری از مفاهیم انتزاعی را از طریق اشیای مادی ملموس کرده‌است. این مفاهیم، حوزه‌های مقصدی هستند که با حوزه مبدأ شیء مفهوم‌سازی شده‌اند. استعاره‌های هستی‌شناختی پربسامدترین نوع استعاره مفهومی در شاهنامه است.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، استعاره هستی‌شناختی، استعاره مادی، ادبیات فارسی، شاهنامه فردوسی.

۱. مقدمه

هدف از این پژوهش، بررسی استعاره‌های هستی‌شناختی از نوع مادی در شاهنامه از دیدگاه شناختی است. علوم شناختی، دانشی است که درباره ذهن به مطالعه می‌پردازد. محققان علوم شناختی معتقدند که از طریق مطالعه زبان می‌توان به کارکردهای شناختی و فرایندهای پنهان ذهن پی برد. لذا زبان‌شناسی شناختی جایگاه ویژه‌ای در علوم شناختی دارد. در این دیدگاه معنابنیاد، استعاره یکی از کانونی‌ترین محورهای مطالعه است. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰م.)، نظام گسترده‌ای از استعاره‌های روزمره و متعارف را کشف کردند که تمایز سنتی بین زبان مجازی و زبان حقیقی را از بین برد. این مطالعات منجر به ارائه نظریه معاصر استعاره (*The Contemporary Theory Of Metaphor*) شد.

در این دیدگاه، استعاره فقط یک ویژگی سبکی زبان ادبی نیست، بلکه خود تفکر و ذهن ماهیت استعاری دارد. استعاره اساساً روشی است که از طریق آن مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌ای دیگر بیان می‌شود. حوزه مقصد معمولاً انتزاعی‌تر و حوزه مبدأ عینی‌تر و ملموس‌تر است.

تصور غالب درباره زبان شعری این است که این زبان معمولاً فراتر از زبان روزمره است؛ زیرا زبان شعری شامل ابزارها و تکنیک‌هایی مانند استعاره و مجاز است و شاعران آگاهانه از این ابزارها برای بیان مفاهیم و تصاویر ذهنی خود بهره می‌جویند. استعاره‌های شعری بسیار فراتر از جنبه زیبایی‌آفرینی با نظام‌های مفهومی سروکار دارند و به گفته لیکاف و ترنر (۱۹۸۹م.)، استعاره صرفاً امری زبانی و در حد واژگان نیست، بلکه فرایندهای تفکر انسان اساساً استعاری است و نظام تصویری ذهن انسان بر اساس استعاره شکل گرفته است.

لیکاف و جانسون (۲۰۰۳م.) در کتاب *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم* (*Metaphors We Live By*)، استعاره را به سه دسته استعاره‌های هستی‌شناختی (*Ontological Metaphor*)، استعاره‌های جهت‌ی (Orientation Metaphor) و استعاره‌های ساختاری (*Structural Metaphor*) تقسیم کرده‌اند و استعاره هستی‌شناختی را در سه دسته پدیده‌ای و مادی، ظرف و تشخیص فهرست کرده‌اند. در این تحقیق، انواع

استعاره‌های هستی‌شناختی از نوع پدیده‌ای و مادی در شاهنامه شناسایی، استخراج و تحلیل می‌شود.

روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. نگارندگان به دنبال این پرسش‌ها هستند که استعاره‌های هستی‌شناختی از نوع مادی در شاهنامه چگونه‌اند و چه مفاهیمی از این طریق ملموس و عینی شده‌اند. برای پاسخ به این پرسش‌ها، بعد از ذکر پیشینه پژوهش، ابتدا مطالعاتی درباره زبان‌شناسی شناختی، معناشناسی شناختی و مفاهیم اصلی مرتبط با آن و آنگاه استعاره به عنوان مهم‌ترین مسئله در معناشناسی شناختی صورت خواهد گرفت. در قسمت استعاره، استعاره از دیدگاه کلاسیک، رمانتیک، زبان‌شناسی و سرانجام، دیدگاه شناختی بررسی خواهد شد. در دیدگاه شناختی، استعاره از نظر لیکاف و جانسون (۲۰۰۳م) معرفی و انواع آن شرح داده می‌شود و در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، استعاره‌های هستی‌شناختی از نوع مادی در ۳۸۰ بیت شاهنامه بررسی خواهد شد و داده‌های پژوهش تحلیل خواهند شد.

۲. پیشینه پژوهش

در ادبیات فارسی، استعاره از دیدگاه سنتی و ادبی آن در آثار اغلب شاعران مطرح بررسی شده‌است که نوعی نگاه زیبایی‌شناسانه بوده‌است. اما از دیدگاه شناختی، استعاره در آثار معدودی از شاعران فارسی بررسی شده‌است که برخی از این پژوهش‌ها عبارتند از: «بررسی استعاره‌های درباری خمسه نظامی بر اساس دیدگاه شناختی» (سنچولی جدید، ۱۳۹۴)، «استعاره‌های مفهومی عشق در غزلیات سعدی، عطار و مولانا» (آباد، ۱۳۹۳)، «استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با اسناد به شواهدی از شعر فارسی» (افراشی و مقیمی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱-۲)، «بررسی نظام‌های استعاری عشق در پنج متن عرفانی بر اساس نظریه استعاره شناختی» (هاشمی، ۱۳۹۲)، «تحلیل پاره‌ای از استعاره‌های برگرفته از اندام بدن در بوستان سعدی» (قادری، ۱۳۹۱)، «تحلیل استعاره مفهومی در اشعار شاملو» (نجم‌فیروزجانی، ۱۳۹۱)، «استعاره‌های مفهومی در فارسی نوشتاری روزمره و شعر معاصر» (عابدی، ۱۳۹۱)، «استعاره زمان در اشعار فروغ فرخزاد از دیدگاه شناختی» (گلفام، کرد زعفرانلو و فیروز، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۳۶)، «نگاهی نو به استعاره، تحلیل استعاره در شعر قیصر امین‌پور» (راکعی، ۱۳۸۸: ۷۷-۹۹)، «بررسی استعاره از دیدگاه شناختی در اشعار فروغ فرخزاد» (حسن‌دخت فیروز،

۱۳۸۸)، «بررسی استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی» (صدری، ۱۳۸۵) و... دو تحقیق زیر نیز جنبه‌هایی از شاهنامه را به‌طور موردی بررسی کرده‌اند که به صورت مختصر معرفی می‌شوند:

پهلوان‌نژاد در مقاله خود به بررسی قیاس و نیز استعاره از منظر تفکر شناختی در «هفت خان رستم» شاهنامه فردوسی پرداخته‌است. قیاس، ابزاری است برای خلق الگوهای ذهنی زایا؛ الگوهایی که انسان را به استنتاج‌های جدید می‌رساند (ر.ک؛ پهلوان‌نژاد، ۱۳۹۲: ج ۱/ ۸۰-۹۰). این بررسی نشان می‌دهد که قیاس و پس از آن، طرح‌واره‌ها (و از میان طرح‌واره‌ها، طرح‌واره حجمی) بیشترین کاربرد را در انتقال مفاهیم استعاره‌ای داشته‌اند. از میان مواردی که با استفاده از نام اعضای بدن ساخته شده‌اند، نام «سر» بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده‌است.

استوار نامقی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «استعاره مفهومی رد در شاهنامه» با استفاده از دیدگاه‌های لیکاف و جانسون و بر اساس کتاب *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*، استعاره‌های رد و حوزه‌های مفهومی مبدأ و مقصد آن را در شاهنامه بررسی، و طرح‌واره‌های زیرگروه آن را ترسیم کرده‌است.

در مطالعات خارجی هم تحقیقات انجام شده مربوط به شاعران غیرایرانی است. با توجه به بررسی‌های انجام شده، تاکنون تحقیق جامعی از دیدگاه شناختی روی شاهنامه انجام نشده‌است و در این پژوهش، کوشش می‌شود استعاره هستی‌شناختی از نوع مادی در شاهنامه بررسی، و حوزه‌های مبدأ و مقصد این استعاره‌ها نیز تفکیک شود.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

نظریه معاصر استعاره، افق‌های جدیدی را در مطالعه استعاره به عنوان فرایندی شناختی ایجاد کرده‌است. حوزه شعر و ادبیات از جمله حوزه‌هایی است که قابلیت آزمودن دیدگاه‌های شناختی را دارد. در ایران، مطالعات مربوط به استعاره‌های مفهومی در شعر، بیشتر مربوط به اشعار عرفانی در ادبیات کلاسیک و اشعار نو بوده‌است و تاکنون تحقیق مفصلی درباره بررسی استعاره مفهومی در آثار حماسی انجام نشده‌است.

۴. زبان‌شناسی شناختی

زبان‌شناسی شناختی، حاصل مطالعات پژوهشگرانی است که به مطالعه رابطه زبان و ذهن علاقه‌مند بودند و تأکید اصلی آن‌ها بر اهمیت نقش معنا، فرایند مفهوم‌پردازی و تجربه کالبدی‌شده در مطالعه زبان و ذهن و نیز روش تعامل آن‌ها با یکدیگر است (ر.ک؛ ایوانز، ۲۰۰۷م: ۲۲). زبان‌شناسی شناختی زبان را بر اساس تجربیات ما از جهان، چگونگی درک و شیوه مفهوم‌سازی مطالعه می‌کند. این نگرش در نتیجه نزاع‌های زبان‌شناختی میان معنی‌شناسان زایشی و طرفداران چامسکی است (ر.ک؛ راسخ مهند، ۱۳۹۲: ۶-۷). هرچند زبان‌شناسی شناختی به زبان‌شناسی نقش‌گرا نزدیک است، اما ویژگی‌هایی دارد که آن دو را از هم متمایز می‌کند (ر.ک؛ دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۵). زبان‌شناسی شناختی زبان را وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات می‌داند. در این رویکرد، زبان اساساً به عنوان نظامی از مقولات در نظر گرفته می‌شود و ساختار صوری زبان نه به عنوان پدیده‌ای مستقل، بلکه در مقام نمودی از نظام مفهومی کلی اصول مقوله‌بندی، سازوکار پردازش و تأثیرات تجربی و محیطی مطالعه می‌شود (ر.ک؛ گیرتس، ۱۹۹۵؛ به نقل از گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱: ۶۰).

۵. معنی‌شناسی شناختی

معنی‌شناسی شناختی (Cognitive semantics) در نتیجه تأثیرپذیری زبان‌شناسی از روان‌شناسی گشتالت و روان‌شناسی شناختی پدید آمد و حاصل دیدگاه‌های مشترک گروهی از معنی‌شناسان، از جمله لانگاکر، لیکاف، بروگمن، جانسون، فوکونیه، تالمی و سویتسر است. نخستین بار لیکاف اصطلاح «معنی‌شناسی شناختی» (Cognitive Semantics) را در مقاله‌ای با همین عنوان مطرح کرد (ر.ک؛ صفوی، ۱۳۸۲: ۶۷). معنی‌شناسان معتقدند که دانش زبانی، بخشی از شناخت عام انسان است. و باور بر این است که تکوین مفاهیم و گزاره‌ها، استعاره، مجاز و مقوله‌بندی زبانی و ذهنی از پدیده‌های جهان خارج همگی به عنوان بخشی از روند کلی شناخت آدمی از جهان خارج صورت می‌پذیرند.

معنی‌شناسی شناختی که به بررسی رابطه بین معنا و ارجاع آن در جهان واقعی می‌پردازد، شامل مفاهیم و مباحثی مانند طرح‌واره‌های تصویری، استعاره و مجاز، معنای

دائرة‌المعارفی، مقوله‌بندی و سرنمون، فضاهاى ذهنی و آمیزه مفهومی می‌شود (ر.ک: راسخ مهند، ۱۳۹۲: ۳۴). زبان‌شناسان شناختی، به‌ویژه لیکاف و جانسون، استعاره را عنصری بنیادین در مقوله‌بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدن می‌دانند (ر.ک: صفوی، ۱۳۸۳: ۳۶۷).

۶. استعاره

۱-۶. استعاره از دیدگاه کلاسیک، رمانتیک و زبان‌شناسی

اولین بار اصطلاح استعاره را ارسطو معرفی کرد (ر.ک: بورشه و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۹۱). استعاره در نظریه‌های کلاسیک زبان، به‌ویژه از دیدگاه ارسطو، موضوعی زبانی تلقی می‌شود، نه موضوعی مربوط به اندیشه، و زبان روزمره، عاری از استعاره است (ر.ک: لیکاف، ۱۹۹۲: ۱۳۶). از دیدگاه رمانتیک‌ها، شاعر هیچ دسترسی خاصی به نوع خاصی از زبان یا دانش ندارند که مردم دیگر از آن محروم شده باشند. افلاطون استعاره را ویژگی خاص زبان شعر نمی‌داند (ر.ک: هاوکس، ۱۳۷۷: ۵۷). از دیدگاه زبان‌شناسی، آی. ای. ریچاردز استعاره را حاصل زبان می‌داند، نه تصویرسازی، و استعاره اصلی همه جا حاضر در کل زبان است (ر.ک: فلسفه علم بیان: ۹۳؛ به نقل از: هاوکس، ۱۳۷۷: ۹۲). او استعاره را در مفهوم کلی آن، به‌کارگیری ارتباط دلالت‌گری درباره مجموعه‌ای از پدیده‌ها می‌داند که میانشان ارتباطی کلی وجود دارد (ر.ک: اوگدن و ریچاردز، ۱۹۷۲: ۲۱۳). یاکوبسن (۱۹۹۵: م) در مطالبی که درباره مشکلات زبانی مربوط به «زبان‌پریشی» نوشته‌است، دو اختلال اصلی سازنده زبان‌پریشی را «اختلال مشابهت» و «اختلال مجاورت» عنوان کرده که با دو صورت بیانی اصلی «استعاره» و «مجاز مرسل» ارتباط چشمگیری دارند و به نظر هلیدی (۱۹۸۵: م)، استعاره، نوعی تنوع واژگانی- دستوری است و می‌توان پاره‌گفتار استعاری را با جایگزین‌سازی واژگانی یا تغییر در ساختار دستوری به‌صورت غیراستعاری بیان کرد.

۲-۶. استعاره از دیدگاه شناختی

در سال ۱۹۸۰ میلادی، جورج لیکاف زبان‌شناس، و مارک جانسون فیلسوف، با انتشار مقاله‌ای در کتاب *استعاره و تفکر* و پس از آن، انتشار کتاب *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*، و نیز با اتخاذ رویکرد شناختی در مطالعه استعاره، «نظریه معاصر استعاره» را ارائه کردند که جایگاه استعاره را از زبان به ذهن منتقل می‌کرد. از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی،

جایگاه استعاری به کلی در زبان نیست، بلکه خاستگاه آن را باید در چگونگی مفهوم‌سازی یک قلمرو ذهنی برحسب قلمرو ذهنی دیگر یافت. در این فرایند، مفهوم‌های انتزاعی روزمره، مانند زمان، حالت، علیت و هدف نیز استعاری هستند. در نتیجه، استعاره که نگاشت بین قلمروهاست، در کانون معنی‌شناسی زبان طبیعی متعارف قرار دارد و مطالعه استعاره ادبی، بسط مطالعه استعاره روزمره است. نظامی شامل هزاران نگاشت بین قلمروها در پس استعاره روزمره قرار دارد و این نظام در استعاره بدیع استفاده می‌شود. پس استعاره یعنی نگاشت بین قلمروها در نظام مفهومی (ر.ک؛ لیکاف، ۱۹۹۲م: ۱۳۷).

۳-۶. استعاره مفهومی و انواع آن

بر اساس دیدگاه لیکاف و جانسون، استعاره در زندگی روزمره و نه فقط در زبان، بلکه در اندیشه و عمل انسان‌ها جاری و ساری است و نظام مفهومی انسان‌ها که در چارچوب آن می‌اندیشند و عمل می‌کنند، ماهیتی اساساً استعاری دارد. انسان در بسیاری از فعالیت‌های جزئی که هر روز انجام می‌دهد، ناخودآگاه و بر اساس الگوی مشخصی می‌اندیشد و عمل می‌کند. چگونگی و چیستی این الگوها دقیقاً مشخص نیستند. یکی از راه‌های شناخت این الگوها، بررسی زبان است (ر.ک؛ لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳م: ۱۲). لیکاف و جانسون دریافتند که ماهیت بخش عمده‌ای از نظام مفهومی معمول انسان استعاری است (ر.ک؛ لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳م: ۱۴). آن‌ها استعاره‌های مفهومی را به سه دسته جهت، هستی‌شناختی و ساختاری تقسیم کرده‌اند. در استعاره‌های جهت، نظام کاملی از مفاهیم با توجه به نظامی دیگر با جهت‌های مکانی، مثل بالا- پایین، عقب- جلو و... سازماندهی می‌شوند. این جهت‌های مکانی نتیجه ویژگی‌های جسمانی و نوع عملکرد جسم ما در محیط فیزیکی هستند. در استعاره‌های ساختاری، ساختار دقیق تصویری که در حوزه مبدأ قرار گرفته است، به ساختار مفهوم انتزاعی حوزه مقصد بازتاب می‌یابد. در استعاره‌های هستی‌شناختی، انسان با استفاده از تجارب مادی و فیزیکی خود، بسیاری از مفاهیم مجرد، انتزاعی و ناشناخته را برحسب اشیای شناخته‌شده مفهوم‌سازی می‌کند.

لیکاف و جانسون به سه نوع استعاره هستی‌شناختی اشاره می‌کنند (ر.ک؛ لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳م: ۵۰): ۱- استعاره ظرف. در این نوع استعاره‌ها، درباره پدیده‌ها و اشیائی که در واقع، فاقد حجم و فاقد درون و بیرون هستند، طوری صحبت می‌کنیم که گویی درون و بیرون

دارند. ۲- تشخیص. در این نوع استعاره، شیء فیزیکی و مفهومی انتزاعی شخص پنداشته می‌شود و با این شخص‌انگاری می‌توان بسیاری از تجربه‌های مربوط به پدیده‌های غیرانسانی را در چارچوب انگیزه‌ها، مشخصه‌ها و فعالیت‌های انسانی درک کرد. ۳- استعاره‌های پدیده‌ای یا مادی از جمله استعاره‌هایی هستند که بر اساس تجربه کردن اشیای مادی و فیزیکی شکل می‌گیرند.

۴-۶. حوزه‌های مبدأ و مقصد

یک استعاره مفهومی از دو حوزه مفهومی تشکیل می‌شود که در آن، یک حوزه در چارچوب حوزه دیگر درک می‌شود. هر حوزه مفهومی مجموعه منسجمی از تجربیات است. این دو حوزه در استعاره‌های مفهومی نام‌های خاصی دارند. آن حوزه مفهومی که ما از آن عبارات استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزه مفهومی دیگری را درک کنیم، «حوزه مبدأ» و آن حوزه مفهومی را که بدین روش درک می‌شود، «حوزه مقصد» نامیده می‌شوند. مباحثی مثل زندگی، بحث و جدل، عشق، نظریه، فکر، سازمان اجتماعی و غیره حوزه‌های مقصد هستند، در حالی که سفر، جنگ، ساختمان، غذا، گیاه و غیره حوزه‌های مبدأ هستند. کوچش بر اساس مطالعاتی که شخصاً انجام داده‌است و نیز بر اساس فرهنگ استعاره کالینز کویلد، پربسامدترین حوزه‌های مبدأ و مقصد را معرفی کرده‌است (ر.ک: کوچش، ۲۰۱۰م: ۳۴). رایج‌ترین حوزه‌های مبدأ بر اساس یافته‌های کوچش عبارتند از: بدن انسان، سلامتی و بیماری، حیوانات، گیاهان، ساختمان، دستگاه‌ها و ابزار، بازی‌ها و ورزش، پول و معاملات اقتصادی، آشپزی و غذا، گرما و سرما، روشنایی و تاریکی، نیروها، حرکت و جهت، و رایج‌ترین حوزه‌های مقصد عبارتند از: احساس، میل، اخلاق، فکر، جامعه، سیاست، اقتصاد، روابط انسانی، ارتباط، زمان، زندگی و مرگ، مذهب و کنش‌ها.

۷. روش جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش، استعاره‌های مفهومی از نوع هستی‌شناختی (مادی) در دفتر دوم شاهنامه فردوسی، از داستان پادشاهی نوذر تا داستان سیاوش و از بین حدود ۳۸۰۰ بیت استخراج و تحلیل شده‌است. در پایان، جدولی از استعاره‌های یافت‌شده بر اساس حوزه مبدأ و مقصد برای دریافت سریع‌تر نتایج تحقیق ارائه شده‌است. برای طبقه‌بندی و تحلیل بهتر داده‌ها، حوزه‌های مقصد به عنوان تیترهای فرعی انتخاب شدند و در زیر آن‌ها، حوزه‌های مبدأ

موجود در ابیات با ذکر تعدادی از بیت‌هایی که استعاره در آن‌ها موجود بود، اضافه شد. در بعضی از ابیات، گاهی چند استعاره مفهومی وجود دارد. در چنین مواردی، هر یک از استعاره‌ها با توجه به نوع استعاره و برحسب حوزه مقصد در تقسیم‌بندی خود قرار گرفته‌اند. به دلیل محدودیت تعداد صفحات مقاله، فقط تعدادی از ابیات و استعاره‌های موجود در آن‌ها برای مثال آورده شده‌اند و بقیه داده‌ها فهرست‌وار در جدولی ارائه شده‌اند.

۸. استعاره‌های هستی‌شناختی (مادی) در شاهنامه

چنان‌که قبلاً گفته شد، لیکاف و جانسون (۲۰۰۳م.) استعاره‌های مفهومی را به سه دسته ساختاری، جهت‌ی و هستی‌شناختی تقسیم کرده‌اند. آن‌ها همچنین استعاره‌های هستی‌شناختی را در سه دسته مادی، تشخیصی و ظرف بررسی نموده‌اند. در استعاره‌های مادی یا پدیده‌ای، انسان با استفاده از تجارب مادی و فیزیکی خود، بسیاری از مفاهیم مجرد، انتزاعی و ناشناخته را برحسب اشیای شناخته‌شده مفهوم‌سازی می‌کند.

۱-۸. اندیشه

○ به مثابه شیء موجود در ظرف دل

در بیت‌های زیر، اندیشه که مفهومی انتزاعی است، به مثابه شیئی در نظر گرفته شده که این قابلیت را دارد که مانند ماده در ظرفی همچون دل (دل نیز در اینجا نوعی استعاره مفهومی از نوع ظرف است)، قرار گیرد و یا از آن خالی شود.

«به پیش پدر شد پُراندیشه دل که اندیشه دارد همی پیشه دل
از اندیشه دل را بی‌پرداختم سخن هرچه بایست، انداختم»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۹۰/۱۶۲)

○ به مثابه شیئی که دل را بدان بسته‌اند.

در این بیت، اندیشه به مانند شیئی مفهوم‌سازی شده است که می‌توان دل را به آن بست.

«وَر این رنج آسان کنم بر دلم از اندیشه شاه دل بگسلم»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۳۷/۲۰۴)

○ به مثابه شیء موجود در ظرف بدن.

«به دست وی اندر یکی پشه‌ام وزان آفرینش پُراندیشه‌ام»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۷۶/۱۹۴)

۲-۸. بدی

○ به مثابهٔ شیء لمس‌شدنی

در بیت‌های زیر، «بدی» که مفهومی انتزاعی است، شیئی در نظر گرفته شده‌است که می‌توان با دست آن را گرفت یا لمس کرد و یا آن را دید:

«توانگر شد از داد و از ایمنی ز بد بسته شد دست اهریمنی»

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۸۸۱/۲۳۴)

«جز از بندگی پیش یزدان مجوی مزن دست در نیک و بد جز بدوی»

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۴۱۰/۲۵۱)

○ به مثابهٔ شیء دیدنی.

«به روشن دل از دور بدها بدید که زین بر زمانه چه خواهد رسید»

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۲۳۴/۲۰۸)

○ به مثابهٔ شیء متحرک.

همچنین، شیئی است که حرکت می‌کند و جایجا می‌شود:

«بدو گفت هر بد که آید، سزاست بگفت و برآسفت و شمشیر خواست»

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۴۸۳/۱۷۸)

«گر از تور بر ایرج نیکبخت بد آمد پدید از پی تاج و تخت»

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۸۳۶/۲۳۲)

۳-۸. بیم / هراس

○ به مثابهٔ شیء موجود در ظرف بدن و دل

«ازیشان بشد خورد و آرام و خواب پر از بیم گشتند از افراسیاب»

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۴۸۳/۱۷۸)

«ز دیوان هر آن کس که بد ناسپاس وز ایشان دل انجمن پرهراس»

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۸۳۶/۲۳۲)

۴-۸. پند

○ به مثابهٔ شیء / ظرف دردار

«به نوذر در پندها را برگشاد سخن‌های نیکو بسی همی کرد یاد»

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۵۲/۱۶۱)

○ به مثابه شیء دادنی و سودمند.

«رها کرد ازو چنگ و زنهار داد چو خشنود شد، پند بسیار داد»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۷۷/۲۶۸)

○ به مثابه شیء موجود در دهان.

در بیت زیر، «پند» که نیز مفهومی ذهنی و غیرملموس است، به صورت شیئی فرض شده که در زبان همچون ظرف بزرگان قرار دارد. این نوع استعاره‌ها ادبی نیستند و در زبان روزمره به کار می‌روند:

«زوان بزرگان پُر از پند بود تهمتت به درد از در بند بود»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۹۷۷/۲۹۹)

۵۸. جان

○ به مثابه شیء ارزشمند/ بی‌ارزش و خریدنی و فروختنی

«به پیوستگی جان خریدم همی جز این نیز چاره ندیدم همی»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۳۶۵/۱۷۳)

«ز گرزش هوا شد پُر از چاک‌چاک نیرزید جانم به یک مشت خاک»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۶۵/۱۹۴)

○ به مثابه شیء جداشدنی / وصل‌شدنی

«چنین خسته در چنگ آهرمنم همی بگسلد زار جان از تنم»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۲۲۸/۲۰۸)

«پسر را نباید که داند پدر که بندد دل و جان به مهر پدر»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۳۹/۲۶۶)

۶۸. چاره

○ به مثابه شیء یافتنی و ارزشمند

«ازین سر دل پهلوان را بیست وزان در سر چاره یازید دست»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۳۷۸/۱۷۴)

«همی جست بر چاره جستن رهی سوی آسمان کرد روی آنگهی»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۳۰۳/۲۱۱)

○ به مثابه شیء ساختنی

- «یکی چاره سازم دگرگونه زین که با من نگردد برادر به کین
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۴۹۷/۱۷۸)
- «اگر چاره دانی مر این را بساز که آمد سپهبد به تنگی فراز»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۵۵/۱۸۵)

۷۸. چشم

○ به مثابه شیء موجود در ظرف گیتی

- «بدین گیتی اندر بُود چشم شاه به برگشتن آتش بُود جایگاه»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۴۵/۱۶۱)

○ به مثابه شیء موجود در ظرف تن، سر و دل

- «به دست اندرون داشت گرز پدر سرش گشته پُرخشم و پُرخون جگر»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۴۰۸/۱۷۵)
- «که با کین شاهان نشاید که چشم نباشد پُر از آب و دل پُر ز خشم»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۴۷۳/۱۷۷)

۸۸. خرد

○ به مثابه شیء موجود در ظرف تن و سر

- «تهمتن چو از خواب بیدار شد سَر پُرخرد پُر ز پیکار شد»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۳۴۵/۲۱۳)

○ به مثابه شیء سنجیدنی

- «کسی را که جنگی چو رستم بُود براند خرد در سرش کم بود»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۳۸۱/۲۷۶)

۹۸. داد

به مثابه شیء دادنی و خواستنی

- «همی داد خواهیم و زاری کنیم به خون پدر سوگواری کنیم»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۴۶۷/۱۷۷)
- «همه پند پیرانش آید به یاد از آن پس دهد چرخ گردانش داد»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۹۴/۲۰۳)

«به رستم چنین گفت پس کی قباد که چیزی ندیدم نکوتر ز داد»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۳۹/۱۹۶)

به مثابه شیء سنجیدنی

«من از جم و ضحاک و از کی قباد فزونم به بخت و به فر و به داد»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۶۳/۱۹۷)

۱۰-۸. دانش

○ به مثابه شیء موجود در ظرف سر و تن و روان

«چو مهراب را پای بر جای دید به سرش اندرون دانش و رای دید»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۳۸۶/۱۸۴)

همه‌ساله پیروز بادی و شاد سرت پُر ز دانش، دلت پُر ز داد»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۰۴/۲۰۳)

۱۱-۸. درد

○ به مثابه شیء موجود در ظرف دل و تن

«شکست اندر آید بدین رزمگاه پُر از درد گردد دل نیکخواه»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۶۹/۱۶۵)

«دل نوذر از غم پُر از درد بود که تاجش ز اختر پُر از گرد بود»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۲۳۷/۱۶۸)

○ به مثابه شیء دیدنی

«همان به که این درد را نیز چشم بیوشیم و بر دل بخوابیم خشم»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۹۶/۲۳۸)

○ به مثابه شیء لمس‌شدنی

«به جای بزرگی و تخت نشست پشیمانی و درد بودش به دست»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۳۹۱/۲۵۰)

۱۲-۸. دل

○ به مثابه شیء منعطف

«دل مهتران را بر او نرم کرد همه داد و بیداد بازرم کرد»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۵۶/۱۶۱)

○ به مثابه شیء شکستنی

- «دل مرزبانان شکسته شود
برین انجمن کار بسته شود»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۵۱/۱۶۵)
- «ز کار شما دل شکسته شوند
بدین خستگی نیز خسته شوند»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۲۵۱/۱۶۹)

۱۳۸. زمان

○ به مثابه شیء متحرک

- «به جایی توان مرد کاید زمان
بیاید زمان یک زمان بی‌گمان»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۸۶/۱۶۶)
- «به دل گفت پنهان شود آفتاب
شب آید بُود گاه آرام و خواب»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۶۴۶/۲۲۵)
- «برین نیز بگذشت چندی سپهر
نه با نوذر آرام بودش، نه مهر»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۶۱/۱۶۱)

۱۴۸. سخن

○ به مثابه شیء سنجیدنی

- «کنون پادشاهی پر آشوب گشت
سخن‌ها از اندازه اندر گذشت»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۲۰/۱۶۰)

○ به مثابه شیء متحرک

- «سخن راند از تور و از سلم گفت
که کین زیر دامن نشاید نهفت»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۷۱/۱۶۲)
- «ازین در سخن هیچ گونه نراند
بآرام بر نامه کین نخواند»
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۹۶/۱۶۳)

جدول ۱. حوزه‌های مقصد و مبدا استعاره‌های مفهومی پدیده‌ای / مادی به کار رفته در شاهنامه

| حوزه مقصد | حوزه مبدا |
|------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| آرامش | شیء ارزشمند، شیء جداشدنی، شیء ساختنی. |
| آرزو | شیء ارزشمند، شیء ساختنی. |
| آشوب | شیء موجود در ظرف پادشاهی، شیء متحرک. |
| آواز | شیء موجود در گوش، شیء متحرک. |
| اندیشه | شیء موجود در ظرف دل و بدن، شیئی که چیزی را به آن می‌بندند. |
| بخت | شیء سنجیدنی. |
| بدی | شیء لمس‌شدنی، شیء دیدنی، شیء متحرک. |
| بیداد | شیء دیدنی. |
| بیم / هراس | شیء موجود در ظرف بدن و دل. |
| پشیمانی | شیء متحرک. |
| پند | شیء بخشیدنی و سودمند، شیء موجود در دهان. |
| جان | شیء ارزشمند/ بی‌ارزش، شیء خریدنی و فروختنی، شیء جداشدنی و وصل‌شدنی، شیء موجود در ظرف تن، شیء روشن‌کننده. |
| جنگ | شیء موجود در سر و دل، شیء لمس‌شدنی، شیء ساختنی، شیء خریدنی و ارزشمند، شیء حمل‌شدنی. |
| جهان | شیء کهنه و نو، شیء رنگین، شیء بی‌ارزش. |
| چاره | شیء یافتنی و ارزشمند، شیء ساختنی. |
| خشم | شیء موجود در ظرف گیتی، تن، سر و دل، شیء متحرک. |
| خرد | شیء موجود در ظرف تن، شیء سنجیدنی. |
| خروش | شیء موجود در ظرف هوا، شیء حمل‌شدنی. |
| خواب | شیء موجود در ظرف سر. |
| داد | شیء دادنی و خواستنی، شیء دیدنی، شیء سوراخ‌شدنی، شیء سنجیدنی، شیء موجود در ظرف دل و جان، مال و ثروت، شیء گسترده‌ی، شیء ساختنی. |
| دانش | شیء موجود در ظرف سر، تن و روان، شیء بخشیدنی. |
| درد | شیء موجود در ظرف دل و تن، شیء دیدنی، شیء نهفتنی، شیء لمس‌شدنی. |
| دروغ | شیء بخشیدنی |
| دل | شیء منعطف، شیء شکستنی، شیء بستنی/ جدا کردنی. |
| راز | شیء ارزشمند و نهفتنی. |
| رنج | شیء موجود در ظرف دل و تن، شیء حمل‌شدنی و متحرک، شیء |

| | |
|-------------------------------------------------------------------------|---------------|
| دیدنی. | |
| شیء سنجیدنی. | روان |
| شیء دادنی و خواستنی. | زمان / فرصت |
| شیء متحرک. | زمان |
| شیء سنجیدنی. | سخن |
| شیء ارزشمند. | سوگ |
| شیء ارزشمند، شیء سنجیدنی. | شادی |
| شیء موجود در ظرف دل. | شتاب |
| شیء موجود در ظرف روان. | شرم |
| شیء دیدنی. | شکست |
| شیء گرانبها. | شهرت |
| شیء موجود در ظرف روان، دل و تن. | غم |
| شیء ارزشمند. | فرهی |
| شیء دیدنی. | قدرت |
| شیء ساختنی، شیء متحرک. | کار |
| شیء دیدنی. | کزی |
| شیء نهفتنی، شیء یافتنی، شیء موجود در ظرف دل و تن، شیء متحرک. | کینه / انتقام |
| شیء سنجیدنی، شیء موجود در ظرف زبان / دهان، شیء مغزدار، شیء منعطف و نرم. | گفتار |
| شیء موجود در ظرف جهان و سپاه. | گفتگوی |
| شیء حمل شدنی، شیء شکستنی. | لشکر |
| شیء جداشدنی. | مرگ |
| شیء حمل شدنی. | مژده |
| شیء برنده. | مغز / فکر |
| شیء ارزشمند. | مهر |
| شیء موجود در ابر، کوه و | ناله |
| شیء دیدنی. | ناراستی |
| شیء موجود در ظرف بدن. | نفرین |
| شیء موجود در ظرف بدن. | نیرنگ |
| شیء ارزشمند. | نیکی |
| شیء ارزشمند و نهفتنی، شیء لمس شدنی، شیء سنجیدنی. | هنر |

۸. تحلیل داده‌ها

بر اساس یافته‌های تحقیق، در *شاهنامه* فردوسی، در استعاره‌های هستی‌شناختی از نوع پدیده‌ای، ۵۵ حوزه مقصد شناسایی شدند که با حوزه مبداء شیء مفهوم‌سازی شده‌اند. این حوزه‌های مقصد عبارتند از: آرام، آرزو، آشوب، آواز، آمرزش، اندیشه، بخت، بدی، بیداد، بیم، پشیمانی، پند، جان، جنگ، جهان، چاره، خشم، خرد، خروش، خواب، داد، دانش، درد، درود، دل، راز، رنج، روان، زمان، سخن، سوگ، شادی، شتاب، شرم، شکست، شهرت، غم، فرهی، قدرت، کار، کارزار، کژی، کیمیا، کینه، گزند، گفتار، گفتگو، لشکر، مرگ، مزده، مغز، مهر، ناز، ناله، ناراستی، نیرنگ، نیکی، هنر.

همه این مفاهیم، انتزاعی هستند و با حوزه ملموس شیء درک می‌شوند. از بین این مفاهیم، «اندیشه، جان، داد، درد، رنج و کینه» بیشترین مفهوم‌سازی را از حوزه اشیاء و پدیده‌های مادی داشته‌اند. از بین سیزده حوزه مقصد رایجی که کوچش معرفی کرده‌است، «احساس، میل، اخلاق، فکر، جامعه / ملت، سیاست، اقتصاد، روابط انسانی، ارتباط، زمان، زندگی و مرگ، مذهب، رخدادهای کنش‌ها» (ر.ک؛ کوچش، ۲۰۱۰: ۴۲-۴۸)، بیشترین حوزه‌های مقصد استعاره‌های هستی‌شناختی از نوع مادی در *شاهنامه* به حوزه احساسات و اخلاق اختصاص دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر تأییدی است بر دیدگاه شفیعی کدکنی درباره ملموس بودن عناصر استعاره‌های *شاهنامه* فردوسی (ر.ک؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۴۵۲). هرچند دیدگاه شفیعی کدکنی نسبت به استعاره، نگرشی کلاسیک و بلاغی است، اما یافته‌های او در این زمینه، با یافته‌های حاصل از مطالعات شناختی و استعاره‌های مفهومی، یکسان است. وی در ذکر ویژگی‌های بلاغی *شاهنامه* و دلیل برتری این اثر حماسی نسبت به دیگر آثار حماسی، معتقد است که عناصر تشبیهات و استعارات *شاهنامه* اغلب عناصری مادی و در حوزه ملموسات است و این مادی بودن نگرش او، یکی از مهم‌ترین رمزهایی است که بیان حماسی او را تا این حد ملموس کرده‌است. از نظر او، به علت فضای خاص اساطیری در حماسه، نفس حوادث نوعی پیچیدگی دارند و اگر سراینده بخواهد برای ترسیم حماسه از تصاویری استفاده کند که درک آن‌ها نیازمند تأمل باشد، از صراحت مطلب می‌کاهد و ذهن، درگیر پیچ‌وخم‌های تصاویر انتزاعی خواهد شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، حوزه مبداء تعداد زیادی از استعارات ادبی و غیرادبی موجود در

شاهنامه، شیء و ماده است و حکیم فردوسی خودآگاه یا ناخودآگاه از این روش برای ملموس کردن مفاهیم انتزاعی بهره برده است. طبق یافته‌های این تحقیق، بسیاری از مفاهیم انتزاعی در شاهنامه با شیء مفهوم‌سازی شده‌اند و این استعاره بسامد بالاتری نسبت به انواع دیگر دارد.

۹. نتیجه

این تحقیق با هدف شناسایی استعاره‌های هستی‌شناختی از نوع مادی در شاهنامه فردوسی از دیدگاه شناختی و بر اساس الگوی لیکاف و جانسون (۲۰۰۳ م.) انجام شد. بر اساس این رویکرد، «استعاره» امری زبانی نیست و نظام مفهومی انسان، اساساً استعاری است. برای انجام این پژوهش، ۳۸۰۰ بیت از ابیات شاهنامه، از داستان پادشاهی نوذر تا داستان سیاوش بررسی و ابیات حاوی استعاره هستی‌شناختی استخراج و بر اساس حوزه مقصد تقسیم‌بندی شد و آنگاه داده‌ها توصیف و تحلیل گردید. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، ۵۵ حوزه مقصد که شامل مفاهیم انتزاعی می‌شوند، در شاهنامه شناسایی شد که با حوزه مبداء شیء مفهوم‌سازی و ملموس شدند. از بین این مفاهیم، «اندیشه، جان، داد، درد، رنج و کینه» بیشترین مفهوم‌سازی را از حوزه اشیاء و پدیده‌های مادی داشته‌اند. نتایج این تحقیق، دیدگاه شفيعی کدکنی (ر.ک؛ شفيعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۴۵۲) را نیز تأیید می‌کند. شفيعی کدکنی معتقد است عناصر تشبیهات و استعارات شاهنامه اغلب عناصری مادی است و در حوزه ملموسات قرار دارد و این مادی بودن نگرش فردوسی، یکی از مهم‌ترین رمزهایی است که بیان حماسی او را تا این حد ملموس کرده است.

منابع

- آباد، مریم. (۱۳۹۳). «استعاره مفهومی عشق در غزلیات سنایی، عطار و مولانا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشهد: دانشگاه فردوسی.
- استوار نامقی، سید محمد. (۱۳۹۲). «استعاره مفهومی رد در شاهنامه». مجموعه مقاله‌های شاهنامه و پژوهش‌های آیینی. به کوشش فرزاد قائمی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- افرايشی، آريتا و محمدمهدی مقیمی‌زاده. (۱۳۹۳). «استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی». مجله زبان‌شناخت. د ۵. ش ۲. صص ۱-۲۰.

- بورشه، ت. و دیگران. (۱۳۷۷). *زبان‌شناسی و ادبیات (تاریخچه چند اصطلاح)*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۲). «بررسی قیاس و استعاره شناختی در هفت خان رستم شاهنامه فردوسی». مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران. به کوشش محمد دبیرمقدم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۸۰-۹۰.
- حسن‌دخت فیروز، سیما. (۱۳۸۸). «بررسی استعاره از دیدگاه شناختی در اشعار فروغ فرخزاد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی نظری*. ج ۶. تهران: سمت.
- راکعی، فاطمه. (۱۳۸۸). «نگاهی نو به استعاره (تحلیل استعاره در شعر قیصر امین‌پور)». پژوهش‌های ادبی. د ۷. ش ۲۶. صص ۷۷-۹۹.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۲). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی، نظریه‌ها و مفاهیم*. تهران: سمت.
- ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۳). *استعاره، مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- سنجولی جدید، اردشیر. (۱۳۹۴). «بررسی استعاره‌های درباری خمسه نظامی بر اساس دیدگاه شناختی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). *صُور خیال در شعر فارسی*. تهران: نشر آگه.
- صدری، نیره. (۱۳۸۵). «استعاره در ادبیات فارسی از دیدگاه شناختی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۲). «بحثی درباره طرح‌های تصویری از دیدگاه شناختی». *نامه فرهنگستان*. د ۶. ش ۱ (پیاپی ۲۱). صص ۶۵-۸۵.
- _____ . (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- عابدی، مهدیه. (۱۳۹۱). «مقایسه استعاره‌های مفهومی در فارسی نوشتاری روزمره و شعر معاصر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). *شاهنامه*. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
- _____ . (۱۳۹۴). *شاهنامه*. تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: سخن.
- گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی راد. (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره». *تازه‌های علوم شناختی*. د ۴. ش ۳ (پیاپی ۱). صص ۵۹-۶۴.
- گلفام، ارسلان، عالیه کرد زعفرانلو و سیما حسن‌دخت فیروز. (۱۳۸۸). «استعاره زمان در شعر فروغ فرخزاد از دیدگاه شناختی». *نقد ادبی*. د ۲. ش ۷. صص ۱۲۱-۱۳۶.

- لیکاف، جورج و مارک جانسون. (۱۳۹۴). *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*. ترجمه هاجر آقاابراهیمی. تهران: نشر علمی.
- قادری، سلیمان. (۱۳۹۱). «شعرشناسی شناختی: تحلیل پاره‌ای از استعارات برگرفته از اندام‌های بدن در بوستان سعدی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- هاشمی، زهره. (۱۳۹۲). «بررسی نظام‌های استعاری عشق در پنج متن عرفانی بر اساس نظریه استعاره شناختی». پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- هاوکس، ترنس. (۱۳۷۷). *استعاره*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- Evans, Vyvyan. (2007). *A Glossary of Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Geraerts, Dirk. (1995). *Cognitive Linguistics: Handbook of Pragmatics*. Amsterdam: J. Benjamin Pub. Co.
- Halliday, Michael. (1985). *An Introduction To Functional Grammer*. London: Edward Arnold.
- Jakobsen, Roman. (1995). *Tow Aspects of Language and Tow of Aphasics Disturabances on Language*. Edited By Linda R. Wavgh and Monique Morville Burston. U. S. A: Harvard University Press.
- Lakoff, George. (1988). "Cognitive Semantics". ECO. U. etal (edu). *Meaning and Mental Representation*. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- _____. (1992). "The Contemporary Theory of Metaphor". in Andrew Ortony (Ed.). *Metaphor and Thought*. 2ndEd. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, George and Mark Johanson. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- _____. (2003). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, George and Mark Turner. (1989). *More than Cool Reason, A field Guide to Poetic, Metaphor*. Chicago: Chicago University Press.
- Ogden, Charles Kay and Richards, Ivor Armstrong. (1972). *The Meaning of Meaning*. London: Routledge and Kegan Paul Ltd.
- Kovecses, Zoltan. (2010). *Metaphor: a Practical Introduction*. Exercises Written with Reka Benczes. 2nd Ed. New York: Oxford University Press.